

حدیث بیداری گروه سنی ه

زیر آبی همیشگی همین آسمان، روی یکنواختی همین خیابانهای هر روزه، روزگاری که چندان هم دور نیست، آدمهایی که هنوز هم همین جایند ناگهان چنان وسیع شدند که دنیا برای دلشان کوچک شد. مردمی با یک دنیا آرزوهای خوب و پاک، اما نه برای خودشان! برای تو که می دانستند وقتی بیایی ردّ قطره های خونشان از سنگ فرش خیابانها پاک شده است. می دانستند آنقدر در آسمان اوج می گیرند که شاید دیگر خاطره پروازشان هم از ذهنها پر بکشد. می دانستند که تو حتی نامشان را نخواهی دانست اما آروزی روزهای روشن و آزاد برای تو را رها نکردند.

آنچه در سطرهای بعد پیش روی توست اندکی از بسیار گفته ها و نوشته ها و کرده های آن روز است.

ابرقدرت

قدرتی که از دیگر قدرت ها قوی تر باشد. در اصطلاح سیاسی ابرقدرت ها کشورهایی هستند که از نظر قدرت صنعتی و نظامی از کشورهای دیگر بسیار قوی ترند و بر سیاست جهانی تاثیر بیشتری دارند. این اصطلاح به خصوص در مورد آمریکا و شوروی «قبل از فروپاشی» به کار می رفت زیرا این دو کشور از نظر صنعتی قدرت نظامی و نیروی اتمی به خصوص سلاح های اتمی، وسعت سرزمین، شمار جمعیت و تنوع منابع طبیعی از دیگر کشورها جلوتر بوده و از امکان دخالت بیشتری در صحنه ی رقابت سیاسی و نظامی برخوردار بودند. گاه به آمریکا ابرقدرت غرب و به شوروی ابرقدرت شرق نیز گفته می شد.

اتحاد

به معنی یگانگی یا یکی شدن اشیا یا اشخاص مختلف است. اما نه به این معنی که به چیز دیگری تبدیل شوند یا یکی از بین برود و دیگری باقی بماند بلکه به این معنا که همه ی اجزای آن ها با حفظ ویژگی ها و فردیت خود به خاطر نقاط مشترکشان گرد هم آمده و یک جمع به هم پیوسته را تشکیل دهند که هدفی واحد را دنبال می کند. انقلاب اسلامی نیز حاصل اتحاد تمام اقشار مردم از هر طبقه و با هر نوع عقیده ای بود. رژیم با تمام امکاناتی که او را قدرت مند ترین حکومت منطقه ساخته بود و با تمام حمایت های خارجی و پشتیبانی های آمریکا در مقابل حضور هر روزه ی میلیون ها نفر در خیابان های سراسر کشور که نفرت خود را آشکارا ابراز می داشتند از پا درآمد. وقتی توده های میلیونی مردم دست خالی یا با ابتدایی ترین سلاح ها ارتش مجهز به تمام امکانات سرکوب و کشتار رژیم را در میان می گرفتند، امکان هر نوع خشونت را از آنان سلب می کردند. اعتصاب های سراسری، اطاعت نکردن از وزیران و روسای منتخب رژیم عملاً همه ی تصمیمات دولت را خنثی و غیر قابل اجرا می کرد و یاری رساندن مردم به یکدیگر از فشارهای حکومت می کاست. به همین دلیل رهبرانقلاب حضرت امام خمینی رمز پیروزی انقلاب را اتحاد مردم می دانست.

اختناق

در لغت به معنای خفگی و در اصطلاح سیاسی به مفهوم شرایط خاصی است که در آن مردم نمی توانند از آنچه مصلحت جامعه است سخن بگویند یا حق خود را طلب کنند. اختناق در معنای سیاسی ضد آزادی است. اختناق یعنی آن نوع شرایط اجتماعی و سیاسی که در آن افراد نمی توانند آنچه را که موجب رشد مردم یا رفع ظلم و بی عدالتی است بر زبان آورند زیرا این سخنان معمولاً بر ضد منافع حکومتی است که چنین شرایطی را به وجود آورده است. حضرت امام خمینی در این باره می فرمایند: دولت ها باید در خدمت ملت ها باشند و ملت ها پشتیبان آنان تا آسایش برای همگان باشد. عاقبت اختناق، انفجار است و آن نه به صلاح ملت است نه صلاح دولت.

ارتجاع

ارتجاع یا گذشته گرایی. در لغت به معنی بازگشت است و به همین خاطر می توان آن را گذشته پرستی و گذشته خواهی نیز نامید. ارتجاع نام یا صفتی است برای حکومت ها گروه ها حزب ها و یا هرکسی که مخالف دگرگونی در روابط و نوع بنیان های اقتصادی اجتماعی و سیاسی بوده و یا خواستار از میان رفتن بعضی دگرگونی های ایجاد شده و بازگشت به وضع گذشته باشد. ارتجاع همیشه در مقابل پیشرفت خواهی قرار می گیرد و این دو در هر جامعه ای نسبی هستند یعنی به وضع و مرحله ی تاریخی هر جامعه بستگی دارند. به بیانی دیگر چیزی که در یک جامعه پیشرفت خواهی به شمار می آید ممکن است در جامعه ای دیگر ارتجاعی یا محافظه کارانه باشد. معمولاً کسانی که به روابط و نهادهای اقتصادی و اجتماعی یا سیاسی کنونی یا گذشته وابستگی دارند و از آن بهره می برتند محافظه کارند و در برابر هر نوع دگرگونی مقاومت می کنند. ارتجاع با هر نوع گرفتن قدرت و ثروت از دست قدرت حاکم و سپردن آن به گروه ها و طبقه های زیر دست به شدت مخالف است به همین دلیل نظام های استبدادی و نیروهای پشتیبان آن ارتجاعی به شمار می آیند.

استثمار

به بهره کشی کشورها یا افراد و گروه های قوی از کشورها افراد یا گروه های ضعیف تر و تصاحب دسترنج و حاصل زحمت و کار آن ها از سوی قدرتمندان استثمار یعنی ثمر تلاش کسی را طلب کردن گفته می شود.

استعمار

به گرفتن و سلب آگاهی و دانش از افراد گروه ها یا ملتی و نگهداشتن آن ها در نادانی و جهالت استثمار گفته می شود.

استعمار

در لغت به معنای آبادانی خواستن و نیز آباد کردن است. اما معنای اولیه ی آن از لغت کولونیالیسم گرفته شده که مقصود از آن مهاجرت گروهی از یک کشور و تشکیل یک جامعه ی اسلامی (کولونی) در سرزمینی تازه و آباد کردن آن است. اما معنایی که امروزه برای آن در نظر گرفته می شود تسلط نظامی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی ملتی قدرتمند بر یک ملت ضعیف است. استعمارگری مستقیم کار کشورهایی بود که به خاطر وجود دریاها و پراکندگی سرزمین های زیر فرمانشان نمی توانستند یک امپراطوری یکپارچه به وجود آورند. مانند کشور انگلستان که سرزمین های زیادی را در نقاط مختلف دنیا مستعمره خود ساخته بود. اما کشورهای زیادی را که توسط امپراطوری بزرگ ایران باستان به زور تصرف شده بود نمی توان مستعمره های ایران نامید زیرا به خاطر پیوستگی خاک جزئی از سرزمین ایران شده بودند. مفهوم استعمار معمولاً با (امپریالیسم) پیوستگی نزدیک دارد. استعمار کار قدرت امپریالیستی است که می خواهد از مرزهای ملی خود تجاوز کند و بر سرزمین های دیگر مسلط شود.

استعمار کهنه

اگرچه تاریخ استعمارگری به دوران باستان و دست اندازی فنیقی ها به سرزمین های کناره ی دریای مدیترانه می رسد اما شکل جهانی آن هم زمان با آغاز دوره ی صنعتی شدن کشورهای اروپایی بود. کشف سرزمینهای تازه و رشد تجارت به انقلاب صنعتی انجامید و بنیاد اقتصادی و به دنبال آن سیاسی کشورهای استعمار گر را متحول کرد. آن ها بیش از گذشته به مواد خام برای تولید کالاهای صنعتی و نیز بازار برای فروش کالاهای خود نیازمند شدند و به همین دلیل رقابت بر سر به دست آوردن مستعمره و غارت کشورهای ضعیف بالا گرفت و البته مبارزه برای رهایی در کشورهای زیر سلطه نیز شدت یافت. ایالت متحده امریکا که مستعمره انگلستان در امریکای شمالی بود در این را

پیشگام شد و بعد کشورهای امریکای جنوبی و مرکزی نیز علیه استعمار اسپانیا و پرتغال و هلند قیام کردند. دامنه ی این قیام ها گسترش یافت و نهضت های ملی در آسیا و اروپا به خصوص پس از جنگ جهانی دوم تمام مستعمره ها را جز در چند نقطه کوچک آزاد ساخت و این پایان استعمار کهنه یا مستقیم بود.

استعمار نو

این اصطلاح، رابطه ی اقتصادی نابرابر بین کشورهای صنعتی استعمارگر و کشورهای ضعیف را روشن می سازد. کشورهای استعمارگر از راه صدور سرمایه، مکانیسم جهانی قیمت ها، داد و ستد مواد خام با کالاهای ساخته شده و نیز فشارهای سیاسی و اقتصادی، از کشورهای ضعیف بهره کشی می کنند که این رابطه را «استعمار نو» نامیده اند، زیرا باعث می شود کشورهای ضعیف با وجود استقلال سیاسی ظاهری یا حقیقی، همیشه در مراحل اولیه ی رشد بمانند و یا حتی عقب تر بروند، اما کشورهای پیشرفته از راه بهره برداری از منابع آن ها و تجارت جهانی، سودهای کلانی به دست آورند و رشد بیشتری پیدا کنند.

استعمار سیاه

در زبان سیاسی جهانی، استعمار سیاه به کشورهای غربی گفته می شود که عملکرد زیادخواهانه و تسلط طلبانه دارند. گفتنی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این اصطلاح از سوی رژیم شاه برای جناح مذهبی مخالف که آن ها را وابسته به زمین داران و مالکان مخالف اصلاحات ارضی می دانست، به کار می رفت. در مقاله ی «ایران و استعمار سرخ و سیاه» که در روزنامه ی اطلاعات هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده، به این موضوع اشاره شده است.

استعمار سرخ

این اصطلاح برای سیاست های توسعه طلبانه و استعماری «اتحاد جماهیر شوروی» قبل از فروپاشی به کار می رفت و به دلیل نقش «داس، چکش و ستاره» سرخ رنگی که در وسط پرچم این کشور وجود داشت، آن را استعمار سرخ می نامیدند.

استکبار

استکبار لغتی قرآنی است که از ریشه ی «اکبر» به معنی «خودبزرگ بینی» گرفته شده است. این لغت در قرآن بارها به کار رفته است. از جمله در داستان آفرینش آدم آنجا که می فرماید: آن گاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود که من بر آنم تا بشری از گل بیافرینم، وقتی کالبدش را به کمال آفریدم و از روح خویش در او دمیدم بر او سر فرود آورید. سپس فرشتگان سر فرود آوردند مگر ابلیس که بزرگی فروخت و از کافران بود... در انقلاب اسلامی ایران، این کلمه بیشتر در مورد دستگاه حاکم و نیز ابرقدرتهایی که از آن حمایت می کردند به کار می رفت. زیرا خویش را برتر از همه می دیدند و به همین دلیل همه چیز را فدای رفاه و منافع خود می کردند.

استکبار جهانی

این اصطلاح بیشتر برای قدرتهای غربی و نیز اتحاد جماهیر شوروی و به خصوص ایالات متحده ی آمریکا به دلیل سیاستهای برتری جویانه ی آن ها به کار می رفت.

استقلال

استقلال به معنی آزادی اراده ی یک ملت برای اداره ی امور داخلی و خارجی خود و اعمال این اراده به وسیله ی دولت است.

کشوری که از حاکمیت ملی قوی و به دور از سلطه پذیری برخوردار باشد، مستقل به شمار می آید. نقطه ی مقابل استقلال، « تبعیت»، « دست نشانده‌گی»، « تحت‌الحمایگی» و « مستعمره» بودن است. این عنوان را هنگامی در مورد نظام های سیاسی و اقتصادی به کار می برند که کشوری به تبعیت و اطاعت از سیاستهای دولتی دیگر درآید. به صورتی که دولت کشور تابع در داخل سرزمین خود و در جامعه ی بین‌المللی نتواند از حق حاکمیت خود به طور کامل استفاده کند و سیاستی را که خود می خواهد در پیش بگیرد. این وضع وقتی برای یک ملت پیش می آید که کشورش اشغال نظامی شده باشد یا از طریق غلبه ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که به وسیله ی قراردادهای خاص سیاسی به وجود می آیند، در این شرایط قرار گرفته باشد. در این نوع قراردادهای، شروط سیاسی، اقتصادی یا نظامی خاصی از سوی دولت خارجی بر دولت مغلوب یا وابسته یا دست نشانده تحمیل می شود که معمولاً به سود کشور غالب و به زیان کشور تابع است.

برای استقلال یک کشور باید چند عامل اساسی وجود داشته باشد: اراده ی ملی قوی، قدرت تولید و توانایی دفاع. البته یک کشور می تواند با اراده ی قوی و مستقل، قدرت دفاعی و تولیدی اش را به گونه ای سامان دهد که به خود کفایی و استقلال برسد حتی اگر به قیمت تحمل فشارها و سختی های بسیار باشد دیر یا زود به سبب نیازش مجبور به اطاعت از کشورهای قوی تر خواهد شد. البته در مناسبات پیچیده ی جهانی، قدرت دفاع، تولید و اراده ی ملی با هم رابطه ی نزدیکی دارند و شاید بتوان گفت در اکثر موارد لازم و ملزوم یکدیگرند. استقلال یکی از سه رکن اساسی خواست های مردم در دوران انقلاب اسلامی بود که در شعارهایی اصلی مانند: « استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تکرار می شد.

اعتصاب

دست از کار کشیدن دسته جمعی به منظور اعمال فشار بر طرف مقابل و گرفتن امتیاز یا حقی از او. اعتصاب ها بیشتر و به خصوص در کشورهای صنعتی، از طرف کارگران به منظور تأمین خواسته هایی نظیر افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار، کم کردن ساعات کار و... انجام گرفته است. دانشجویان، روحانیان، بازرگانان و کارمندان نیز برای تأمین خواسته های رفاهی یا سیاسی خود اعتصاب می کنند. از درخشان ترین و موفق ترین اعتصاب ها در طول تاریخ، اعتصاب های سال ۱۳۵۷ ایران بود که از نظر هماهنگی، گستردگی و اهداف مشترک در جهان بی نظیر بوده است. در ایام انقلاب اغلب ادارات، وزارتخانه ها، شرکت ها، موسسات، بازار و مدتی نیز مطبوعات و رسانه ها با اعتصاب خود به نحوی بازوهای اجرایی و اقتصادی دولت را فلج کردند که توان هر نوع مقابله ای از رژیم گرفته شد. در این مدت با هماهنگی های رهبران اعتصاب و کمکهای مردمی و رهنمودهای امام خمینی فشار زیادی بر اقلشار مختلف جامعه وارد نیامد. نمونه ی بسیار موثر این اعتصاب ها، اعتصاب کارکنان شرکت نفت بود به نحوی که رژیم شاهنشاهی را با کمبود جدی نفت و بنزین روبرو کرد و علاوه بر قطع صادرات، که باعث کم شدن درآمد ارزی دولت شد، نقل و انتقال خودروهای نظامی را نیز به دلیل کمبود شدید بنزین با مشکلات زیادی مواجه کرد. وقتی کمبود نفت در سرمای زمستان برای مردم مشکل آفرین شد، امام هیأتی را با ریاست مهندس مهدی بازرگان مأمور ساماندهی به اعتصاب کارکنان شرکت نفت کردند تا نفت دقیقاً به اندازه ی مصرف مردم تولید و توزیع شود و به این وسیله بدون کم شدن فشار بر حکومت، مردم متحمل سرما و سختی نشوند.

اعتصاب غذا

نوعی خاص از اعتراض به نظام، جریان یا واقعی است که در آن اعتصابیون تا رسیدن به خواسته هایشان از خوردن و آشامیدن خودداری می کنند. آنها با جلب توجه افکار عمومی و سازمان های بین‌المللی و دفاع از حقوق بشر و

مطبوعات، مقامات مسئول را تحت فشار قرار داده و به هدف های اعلام شده ی خود دست می یابند. اعتصاب غذا می تواند محدود یا نامحدود باشد و در آن تنها از خوردن خوراک و نه آب اجتناب شود یا خشک باشد یعنی در آن از آشامیدن آب و مایعات دیگر هم خودداری گردد.

اعتصاب غذا گاه به قیمت از دست رفتن جان فرد اعتصابی تمام می شود که معمولاً اعتراض وسیع افکار عمومی جهان را در پی دارد و به همین جهت وسیله ای موثر برای به دست آوردن خواسته هایی است که از راههای معمول اجتماعی و یا سیاسی نمی توان به آن ها رسید.

اعلامیه

متنی که در آن مطلبی خاص به آگاهی عموم مردم می رسد. مثل اعلام موضع در باره جریان یا امری خاص، اعلام خطر یا حادثه ای و یا دستورالعملی از سوی رهبر یا گروه های سیاسی برای مردم. در جریان مبارزه که مبارزان نمی توانند برای رساندن سخنانشان به مردم از رسانه های جمعی استفاده کنند، انتشار اعلامیه به صورت مخفی یا آشکار یکی از شیوه های معمول برقراری ارتباط با مردم است.

اقلیت ها

گروههایی از یک ملت که افرادشان به خاطر ویژگی های نژادی، قومی یا دینی خاص از اکثریت مردم متمایز باشند. مانند: مسیحیان، زرتشتیان و یهودیان ایران که در برابر اکثریت مسلمان ایران، اقلیت های دینی به شمار می آیند.

در روزهای انقلاب اقلیت های مذهبی در تمام فعالیت ها از جمله راهپیمایی ها و اجتماعات، حضوری چشمگیر داشتند و شهدای بسیاری تقدیم نهضت کردند. امام در همان روزهای اوج قیام در این باره فرمودند: همه ی اقلیت ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت ها همیشه به طور انسانی و به طور عدالت رفتار کرده است و همه در رفاه هستند و این ها هم مثل سایر اقلیت ها جزئی از ملت ما هستند و ما و آنها با هم در این مملکت زندگی می کنیم. ان شاءالله رفاه همه حاصل خواهد شد و رمز این پیروزی که وحدت کلمه است، باید حفظ شود. (صحیفه ی نور، ج ۳، ص ۳۰۸)

امت

در لغت به معنی راهی است که مقصد و مقصود انسان باشد اما در اصطلاح به گروهی از مردم گفته می شود که در هدف، دین یا در یک محدوده ی جغرافیایی خاص در زمان مشخص مشترک باشند. این کلمه در قرآن کریم به معانی دیگری مثل سنت و آیین نیز آمده است. و گاه برای یک نفر: « کان ابراهیم امه قانتاً لله » نحل/ ۱۲۰ یا به معنی مدت زمانی طولانی به کار رفته است: « واذکر بعد امه » یوسف/ ۴۵

امپریالیسم

امپریالیسم به طور کلی عنوانی است برای قدرت یا دولتی که بیرون از حوزه ی ملی خود به تصرف سرزمین های دیگر بپردازد و مردم آن سرزمین ها را به زور وادار به فرمان برداری از خود کرده و از منابع اقتصادی و مالی و انسانی آنها به سود خود بهره برداری کند.

امپریالیسم فرهنگی

به معنی کاربرد قدرت سیاسی و اقتصادی برای رواج ارزشها، به شیوه ی زندگی و اعتقادات مربوط به فرهنگ قدرت غالب در میان مردم سرزمین های دیگر است که معمولاً به زیان فرهنگ و ارزش های فرهنگ مغلوب می انجامد.

امپریالیسم فرهنگی می تواند امپریالیسم اقتصادی، سیاسی را تقویت کند و راهگشای آن ها باشد. مثل فیلم های غربی که برای کالاهای ساخت اروپا و آمریکا بازار و تقاضا فراهم می کنند و شیوه ی زندگی و تفکر آنها را تبلیغ کرده و رواج می دهند.

انقلاب

انقلاب در لغت به معنی تغییر از شکلی به شکل دیگر و دگرگون شدن است. این اصطلاح ابتدا در ستاره شناسی به کار می رفت اما از قرن هفده میلادی در اروپا و از زمان انقلاب مشروطه در ایران برای « تغییر سیاسی و اجتماعی» به کار رفته است.

انقلاب در کاربردهای دیگر خود به معنی دگرگونی کامل شیوه ی تولید (مثل انقلاب صنعتی) تغییر بنیادی در نظام سیاسی اجتماعی (مثل انقلاب فرانسه) و یا در جنبه های مختلف زندگی فرهنگی و اجتماعی و فکری (یعنی انقلاب فرهنگی یا علمی) نیز به کار می رود.

انقلاب در معنای رایج آن به معنای دگرگونی های شدید و ناگهانی در ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

اما آنچه که باید به آن توجه داشت این است که انقلاب وقتی معنی می گیرد که این « دگرگونی » توسط « توده ی مردم » به وجود بیاید. یعنی اگر این تغییرات با به قدرت رسیدن یک حزب از طریق انتخابات انجام شود یا به دست یک گروه کوچک از نظامیان که یک شبه قدرت قبلی را سرنگون کرده و به جای آن نشسته اند (کودتا) نام دیگر انقلاب نخواهد بود.

انقلاب وقتی رخ می دهد که مقامات یک حکومت - که معمولاً فاسد است - حاضر نیستند از راههای قانونی و بدون تهدید، خشونت و اجبار، قدرت را به رهبران مردم واگذار کنند.

انقلاب با شورش نیز تفاوت دارد زیرا هرچند در شورش نیز مردم حضور دارند و خشونت و اجبار نیز در آن هست اما منجر به تغییر اساسی و قابل توجه نمی شود در حالی که از نظر جامعه شناسی، نه تنها تغییر فرمانروایان بر اثر انقلاب اهمیت دارد بلکه تغییر طبقات حاکم، نهادهای اجتماعی و نیز ماهیت کردارهای انقلابی که به تغییرهای اساسی می انجامد نیز مهم است. همچنین نتیجه و پیامد این دگرگونی ها در درازمدت نیز قابل بررسی و تأمل است.

ایدئولوژی

ایدئولوژی از زبان فرانسه و از کلمه ی idea به معنی « تصور و اندیشه » به علاوه ی logie به معنی « شناخت» ساخته شده است.

ایدئولوژی عبارت است از نوعی فلسفه ی سیاسی و اجتماعی یا مذهبی که در آن، عمل بیش از نظریه اهمیت دارد. ایدئولوژی مجموعه ای از اندیشه هایی است که می خواهد جهان را توضیح داده و آن را مطابق شناخت و نظر خود تغییر دهد. ایدئولوژی، طرحی آرمانی از جامعه ی برتر دارد و از همه ی پیروان خود انتظار دارد که برای تحقق آن تلاش کنند.

آزادی

آزادی در وسیع ترین معنای لغوی خود، حالتی است که در آن، چیزی محدود و وابسته به چیزی دیگر نباشد و بتواند در فضا جابه جا شود. اما در مورد انسان، حالتی است که « اراده و میل » او برای رسیدن به خواسته هایش با مانعی برخورد نکند. این معنای کلی و مطلق برای هیچ موجودی در جهان وجود ندارد. پس برای تعریف آزادی باید نسبی بودن آن را همیشه در نظر داشت. در مورد انسان، همواره باید دو پرسش را مطرح ساخت: « آزاد از چه؟» و «

آزاد برای چه؟» آزادی بی حد و مرز در جوامع انسانی هرگز عملی نمی شود، زیرا آزادی بی قید و شرط یک فرد، به یقین آزادی های دیگران را محدود و پایمال می سازد. به همین خاطر است که قانون های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه ای حد و مرزی برای آزادی قائل می شود. مبارزه ها و انقلاب های آزادی خواهانه نیز در پی به دست آوردن آزادی هایی بوده است که از سوی عقل و قوانین کلی انسانی پذیرفته شده و پشتیبانی می شوند. مهم ترین آزادی هایی که در قانون های اساسی کشورها و نیز اعلامیه های جهانی به آن اشاره شده، آزادی های فردی و اجتماعی و آزادی های سیاسی و اقتصادی است.

آزادی های فردی و اجتماعی

حق حیات، حق انتخاب محل سکونت، حق مالکیت، حق آزادی اندیشه و بیان، حق آزادی مذهب و دین، حق آزادی کسب و کار، حق رفت و آمد، حق رأی، آزادی های فرهنگی و حق بهره مندی از عدالت اجتماعی و امنیت قضایی و ... از اصول اولیه ی آزادی های فردی به شمار می آیند.

آزادی اندیشه و بیان

مردم باید بتوانند آزادانه فکر کنند و درباره ی عقیده و اندیشه ی خود اظهار نظر کنند و با سخنرانی، نوشتن، گفتگو، استفاده از مطبوعات و رادیو و تلویزیون، تئاتر، سینما، موسیقی و دیگر هنرها اندیشه ی خود را با دیگران در میان بگذارند.

آزادی دین و مذهب

آزادی دین به این معناست که پیروان ادیان مختلف اجازه داشته باشند تا آزادانه به عقاید خود پایبند بوده و عبادت ها، مراسم و سنت های خود را به صورت فردی یا گروهی انجام دهند.

آزادی های فرهنگی

مردم یک جامعه باید بتوانند آزادانه از نظام صحیح آموزش و پرورش برخوردار شوند و در زمینه های مختلف علمی و هنری و ادبی بتوانند بحث یا پژوهش کرده و یافته های خود را انتشار دهند. آزادی های فرهنگی سبب گسترش اندیشه، دانش، علم، صنعت و هنر در جامعه می شوند.

آزادی های سیاسی

مردم باید بتوانند نوع حکومت خود را انتخاب کنند و با برگزیدن نمایندگانشان و حضور آنان در مجلس های قانون گذاری در حکومت مشارکت کنند. مردم باید بتوانند با استفاده از آزادی های سیاسی از دولت انتقاد کنند و با تشکیل حزب ها، سازمان ها و انجمن های سیاسی در چارچوب قانون فعالیت کنند و در تصمیم گیری های اجتماعی نقش داشته باشند. آزادی های سیاسی در هر جامعه به طور کامل به حد و مرز آزادی اندیشه و بیان در آن جامعه بستگی دارد.

آزادی اقتصادی

مردم یک جامعه ی آزاد باید از فرصت یافتن کار و انتخاب شغل مناسب برخوردار بوده و در انجام فعالیت های اقتصادی به شرط رعایت حریم و حقوق دیگران و عدم بهره کشی و سوء استفاده از کودکان و سایر عوامل وابسته آزاد باشند و از حمایت دولت نیز برخوردار گردند. اگرچه دولت موظف است با اجرای قانون هایی خاص، جلوی تقلب

در معاملات و تولید و پخش کالاهای نامرغوب، مواد خوراکی فاسد و زیان بخش، احتکار، گران فروشی و کم فروشی را بگیرد تا به این وسیله مانع تجاوز فرد یا افرادی به قلمرو آزادی و امنیت و حقوق افراد جامعه شود و رفاه مردم تأمین گردد. آزادی های اقتصادی با تأمین بیمه های حمایتی مختلف مثل حق بازنشستگی و از کارافتادگی همراه است.

تاریخ شاهنشاهی

در آستانه ی سال ۱۳۵۵ که قرار بود جشن های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی برگزار شود، قانونی به صورت تصمیم مشترک مجلس سنا و مجلس شورای ملی اعلام شد. بر اساس این قانون که در آخرین روزهای سال ۱۳۵۴ تصویب شد تاریخ ایران دگرگون شد و به جای هجرت پیامبر(ص) که مبدأ تاریخ هجری شمسی بود و مطابق آن سال ۱۳۵۵ خورشیدی به حساب می آمد، مبدأ تاریخ کشور آغاز پادشاهی کوروش شد، آن هم بر حسب احتمالات و به نحوی که دو هزار و پانصدمین سال آن، تاریخ آغاز سلطنت پهلوی باشد. تصمیم تغییر تاریخ اعلام شد و باعث اعتراض شدید مراجع مذهبی به دولت گردید. هویدا نخست وزیر وقت ناچار شد برای راضی کردن مخالفان در سخنانی اظهار دارد: از این پس دو تاریخ در ایران وجود خواهد داشت یکی مبدأ هجرت پیامبر اسلام به تقویم قمری و دیگری مبدأ سلطنت کوروش به تقویم شمسی. این سخن تنها توانست برخی از مخالفان را راضی کند اما از آن پس بر سربرگ های کاغذهای دولتی، تابلوی ادارات، نوشته های رسمی، چک ها و اسکناس ها، سال آینده سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی نقش بست. دو سال بعد، در شهریور ماه ۱۳۵۷ وقتی آموزگار ناتوان از مقابله با خشم و خروش مردم استعفا داد و شریف امامی به جای او نشست یکی از موارد سیاستهای دولت آشتی ملی اش بازگرداندن تاریخ به هجری شمسی است.

تحصن

به معنی توقف و نشستن فرد یا گروهی در مکانی خاص برای مدتی محدود یا نامحدود به منظور اعتراض به امر یا شرایطی خاص و یا به دست آوردن حق و امتیازی مورد نظر است. معمولاً تحصن تا برآورده شدن خواسته ی معترضین ادامه می یابد. در زمان های قدیم نیز این رسم وجود داشت و به آن بست نشستن می گفتند.

تظاهرات

نوعی نمایش احساسات سیاسی است که در آن عده ای از مردم به همراه یکدیگر مسیری مشخص را با سر دادن شعار، حمل پلاکارد و اعلام دلیل تظاهرات طی می کنند. فرق تظاهرات با راهپیمایی در محدودتر بودن آن از نظر تعداد شرکت کنندگان و کوتاه تر بودن طول زمان و مسیر راهپیمایی است. البته گاهی این دو واژه به تساهل به جای یکدیگر به کار می روند.

تمدن بزرگ

عنوانی که شاه و اطرافیانش به وضعیت ایده آلی که ایران در آینده به آن خواهد رسید، داده بودند. هویدا نخست وزیر وقت، در مصاحبه ای کشور را به هواپیمایی تشبیه کرد که در دوران برنامه قبل تا ابتدای باند پرواز رانده شده و در برنامه ی چهارم عمران، اوج خواهد گرفت. شاه نیز به عنوان رهبر انقلاب سفید درباره ی تمدن بزرگ آینده ی ایران گفت: ایران تا بیست سال دیگر یکی از پنج قدرت بزرگ صنعتی جهان خواهد شد و فضاورد به فضا خواهد فرستاد. یکی از روزنامه های فکاهی در نقد این وعده ها نوشت: پس یکباره بگویند نان و گوشت و آب و برق هم ارزان می شود. شاه کتابی نیز درباره ی آینده ی ایران با همین عنوان دارد.

جمهوری

نوعی شیوه حکومت است که در آن، جانشینی رئیس کشور ارثی نبوده و مدت زمامداری او نیز محدود است. در یک حکومت جمهوری انتخاب رئیس کشور که رئیس جمهور نامیده می شود با رأی مستقیم یا غیر مستقیم مردم صورت می گیرد یعنی مردم یا یکی از نامزدهای پست ریاست جمهوری را مستقیماً انتخاب می کنند یا به نمایندگان احزاب رأی می دهند و نمایندگان حزب پیروز در انتخاب رئیس جمهور دخالت می کند. پیش از انقلاب فرانسه حکومتی را جمهوری می نامیدند که سود و رفاه کلی مردم را در نظر داشت، حتی اگر سلطنتی بود یا آزادی های سیاسی را محدود می کرد اما بعد از انقلاب فرانسه و استقلال آمریکا حکومتی که در آن حقوق مدنی اشخاص و آزادی های فردی وجود داشته و مورد حمایت دولت نیز باشد جمهوری نامیده شد. جمهوریخواهی نیز به معنای مبارزه با استبداد سلطنتی و آزادیخواهی به کار رفت. جمهوری از نظر مفهوم لغتی اش در برگیرنده ی درجاتی از آزادی است اما بسیاری از حکومت های دیکتاتوری غیر سلطنتی نیز به این نام خوانده می شوند (مثل جمهوری عراق که حکومت آن دیکتاتوری و مدت ریاست جمهوری آن مادام العمر است.) به همین دلیل امروزه حکومت جمهوری تنها به معنای نظامی غیر سلطنتی به کار می رود.

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نوع حکومتی است که مردم در راهپیمایی های میلیونی خویش و نیز در اغلب قطعنامه های تظاهرات و اجتماعاتشان آن را به عنوان نظام ایده آل و انتخابی خویش معرفی کردند. جمهوری اسلامی علاوه بر رعایت قوانین جمهوریت، یعنی دخالت اراده ی توده های مردم در امر گزینش تمام رؤسای اصلی دولت، مثل رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و خبرگان رهبری دارای صفات اسلامی است. این صفت روشن می کند که در این نوع خاص از حکومت، دستورات دین می بایستی پایه و اساس قوانین تصمیم گیری ها باشد. در نظام جمهوری اسلامی، ولایت فقیه در رأس هرم قدرت قرار دارد. بر طبق اصل پنجم قانون اساسی: در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده ی فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبّر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده دار آن می گردد.

یکی دیگر از ویژگی های این نوع نظام، مسوولیت حکومت در برابر رشد معنوی جامعه است و علاوه بر تامین زندگی و رفاه مردم از طریق وزارتخانه ها و سلسله مراتب دولتی، مسوولیت هدایت مردم و ارشاد آن ها و بستن راه های فساد نیز بر عهده ی دولت است.

بعد از پیروزی انقلاب، در دهم فروردین ماه ۱۳۵۸ طی یک همه پرسی جمهوری اسلامی به رأی مردم گذاشته شد و در دوازدهم فروردین با اعلام رأی قاطع ۹۸/۲ درصد شرکت کنندگان، نظام حکومتی ایران به طور رسمی از سلطنت مشروطه به جمهوری اسلامی تغییر یافت. قبل از انتخابات بحث های زیادی درباره ی نوع حکومت ایران در گرفت. عده ای پیشنهاد جمهوری دمکراتیک اسلامی دادند و عده ای جمهوری سوسیالیستی اسلامی را پیشنهاد کردند، اما امام در مخالفت با آنها اعلام کرد: من به جمهوری اسلامی رأی می دهم نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.

جهاد

جهاد کلمه ای است قرآنی و اغلب به همراه ایمان و هجرت به کار رفته است. انسان با ایمان برای دفاع از آرمان خویش یا گسترش آن به جوامع دیگر جهاد می کند و اگر قادر به جهاد نبود از منطقه ی سلطه ی حکومت های ظالم هجرت می کند. جهاد بیشتر به معنای جنگ مقدّس دینی است اما انواعی از فعالیت های ارشادی، فرهنگی و سیاسی که به قصد حفظ حرمت و حریم دین خدا و با قصد تقرب و نزدیکی به او صورت می گیرد را نیز جهاد

نامیده اند. جهاد با دشمنان دین، جهاد اصغر یا کوچک و مبارزه با بدی های درون و هوای نفس که دشوارتر و همیشگی است جهاد اکبر یا بزرگتر نامیده می شود.

جهان سوم

جهان سوم اصطلاحی است که در دهه های ۶۰-۱۹۵۰ میلادی رواج یافت و مقصود از آن مجموعه ای از کشورهای توسعه یافته ی سرمایه داری به شمار می آیند. مفهوم جهان سوم بیشتر شامل کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای آسیایی و آفریقایی می شود. این کشورها که اغلب سابقه استعمار زدگی دارند و گرفتار فقر و ازدیاد جمعیت هستند در سازمان ملل بیش از دو سوم کشورهای عضو را تشکیل می دهند. عنوان های هم ردیف جهان سوم که کم و بیش به همین معنا به کار می روند، کشورهای توسعه نیافته و رو به توسعه و کم توسعه است. امروزه با فروپاشی دولت سوسیالیستی شوروی و تغییر حکومت در کشورهای کمونیستی اصطلاح جهان سوم دیگر معنای سابق خود را ندارد و کمتر مورد استفاده قرار می گیرد و در صورت استفاده نیز بیشتر به مفهوم کشورهای فقیر یا در حال توسعه است.

چپ و راست

این اصطلاح و همچنین ترکیب هایی که با این واژه ها ساخته می شوند؛ مثل جناح چپ، جناح راست، راست رو، چپ رو، دست چپی و دست راستی از سنتی گرفته شده است که در مجمع ملی نمایندگان فرانسه بعد از انقلاب کبیر به وجود آمد. در آن مجلس نمایندگان تندرو و انقلابی در سمت چپ و محافظه کاران طرفدار وضع موجود و مخالف تغییرات در سمت راست می نشستند. این سنت بعدها در مجلس های دیگر اروپا نیز ادامه یافت. در آن زمان روش و ایده های این دو جناح کاملاً از هم متمایز بود و اعتقادات هر یک تعریفی روشن داشت. اما با گذشت زمان معنای این دو اصطلاح دچار تغییرات زیادی شد تا حدی که امروزه نمی توان تعریف دقیقی به دست داد. به طور کلی جریان چپ شامل همه ی گروههای بهبودخواه و انقلابی روزگار نو می شود که اندیشه ی آنان زیر نفوذ باورهای جدید شکل گرفته است. مهم ترین باورهای مکتب های فکری جریان چپ: باور به عقل انسانی، برابرخواهی، پیشرفت خواهی، باور به دموکراسی، آزادی و بشردوستی است اما برداشت و تفسیر هر کدام از این گروهها چنان متفاوت و حتی ناسازگار است که گاه آن ها را در برابر و ضدیت هم قرار می دهد. اصطلاح راست در مورد مجموعه ی نظریاتی به کار می رود که در برابر چپ قرار دارد. در اصل، عنوان دست راستی برای کسانی به کار می رفت که در برابر انقلابیون فرانسوی، به نظام پادشاهی وفادار مانده و از آن دفاع می کردند. بعدها این عنوان برابر شد با نظریه ی پذیرش قدرت یک شخص یا نهاد (مثل دولت، کلیسا، رهبر)، میهن پرستی، طرفداری از مالکیت خصوصی و اعتقاد به لزوم قدرتمندی ارتش. در سال های اخیر، معنای دو اصطلاح چپ و راست آن قدر دچار چالش شده و گسترش یافته که به سادگی نمی توان تعریف روشنی از آن داشت. بسیاری از گروههایی که به چپ مشهورند بسیاری از ویژگی های راست را در خود دارند و گروههای راست بسیاری وجود دارند که به بعضی از نظریات چپ معتقدند. در دوران انقلاب اسلامی معمولاً چپ عنوانی بود که مردم به گروههایی با مرام های سوسیالیستی می دادند و سوسیالیستها را نیز عموماً کمونیست می دانستند. این گروهها اغلب انقلابی و از مخالفان رژیم سلطنتی به شمار می رفتند. راست نیز اصطلاحی بود که برای گروههایی طرفدار سرمایه دایر و ثروت اندوزی و نیز طرفداران وضع موجود به کار می رفت.

چریک

چریک لغتی است ترکیبی به معنای لشکری که آداب جنگ نیاموخته باشد. سپاهی نامنظم، سپاهیی که از ایلات و عشایر و روستاها و شهرهای دیگرند برای جنگ و پس از جنگ به خانه بازگردند. « لغت نامه دهخدا » چریک در اصطلاح به فردی گفته می شود که به دلیل اعتقاد به آرمان و هدفی خاص به مبارزه با حکومت می پردازد و با از

خود گذشتگی در راه رسیدن به آن آرمان تا سرحد مرگ تلاش می کند. چریک ها در گروههایی که شیوه ی مبارزه ی مسلحانه را انتخاب کرده اند با گذراندن آموزش های سخت و گوناگون نظامی آماده می شوند تا در شرایط دشوار و به تنهایی مبارزه کنند و برای تحمل شکنجه و مرگ آماده باشند.

دموکراسی

دموکراسی یا مردم سالاری نوعی حکومت بر مبنای رأی و خواست مردم است. در این نوع حکومت مردم با انتخاب نمایندگان که در مجلس های قانون گذاری خواسته های خود را به صورت قانون درمی آورند و یا با رأی دادن به یک نفر به عنوان رئیس جمهور به افراد دیگری که می بایستی امور کشور را در دست بگیرند در اداره ی جامعه و سیاست های کشورشان مشارکت می کنند.

دولت

قدرتی سازمان یافته است که در سرزمینی معین و بر مردمانی معین تسلطی پایدار داشته و وظیفه ی حفظ نظم در داخل کشور و نگرانی از منافع مردم و حفظ کشور از خطرات خارجی را بر عهده دارد. دولت از نهادها و سازمان های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی تشکیل می شود. در نظام های سنتی گذشته کشور که مملکت نیز گفته می شد بر معنای ملک پادشاه و قلمروی بود که او فتح کرده و یا به ارث برده است. مردم نیز فرمانبر و رعیت شاه بودند و جزو اموال او به شمار می رفتند.

دولت موقت

دولتی که در دوران تغییر نظام حکومتی یک کشور و انتقال قدرت از یک رژیم سیاسی به رژیم دیگر تشکیل می شود و تا زمان تصویب قانون اساسی جدید و ایجاد نهادهای سیاسی لازم امور کشور را اداره می کند. دولت موقت ممکن است به هنگام اشغال کشور توسط نیروهای خارجی یا در زمان وقوع جنگ یا انقلاب در یک کشور خارجی نیز تشکیل شود در این صورت به آن دولت آزاد نیز گفته می شود. در ایران دولت موقت در تاریخ ۱۵ بهمن ۵۷ به فرمان امام خمینی و با نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان تشکیل شد تا اداره ی کشور را در دوران تبدیل نظام سلطنتی به جمهوری اسلامی عهده دار شود. دیگر وظایف این دولت برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس مؤسسان از نمایندگان مردم برای تنظیم و تصویب قانون اساسی نظام جدید و برگزاری همه پرسی درباره ی تغییر نظام و انتخابات مجلس شورا بود. همواره پس از تشکیل دولت رسمی بلافاصله دولت موقت استعفا داده و امور را به دولت قانونی پس از خود واگذار می کند.

دیکتاتوری

دیکتاتور مقام قانونی در جمهوری رم باستان بود که به هنگام بحران به فردی مشخص واگذار می شد. در این مواقع کسی که اختیار کامل حکومت و ارتش را برای مدت محدودی مثلاً شش ماه به دست می گرفت، بعد از رفع بحران این قدرت را باز می گرداند. گاهی وقت ها در اواخر دوره ی جمهوری سردارانی که از راه های غیرقانونی به حکومت رسیده و تمام اختیارات را به دست گرفته بودند، محدودیت های قانونی دیکتاتوری را برداشته و خودسرانه به حکومت می پرداختند. از آن پس دیکتاتور به کسی گفته می شد که با اقتدار کامل و بدون محدودیت های قانونی فرمانروایی می کرد. دیکتاتوری چند ویژگی دارد:

- نبودن هیچ قانون یا سنتی که قدرت فرمانروا را محدود کند.

- به دست آوردن قدرت از راههای غیرقانونی

- نبودن قاعده و قانون برای جانشینی

- استفاده از قدرت برای تأمین منافع گروهی کوچک

- اطاعت مردم از دیکتاتور تنها به دلیل ترس از مرگ یا آزار

- انحصار قدرت در دست یک نفر

- به کار گرفتن شیوه‌ی ترور و ایجاد وحشت میان مردم به عنوان وسیله‌ی برای حفظ دیکتاتوری

راهپیمایی

یکی از شیوه‌های نشان دادن احساسات سیاسی است و به صورت حرکت عده‌ای از مردم با هم در مسیر مشخص و با اهداف و خواسته‌های مشترک نمود می‌یابد. راهپیمایان برای بیان خواسته، هدف یا مخالفتشان معمولاً از پلاکارد (پارچه‌های بزرگی که جمله‌های کوتاه بر آن نوشته می‌شود) و شعارهای گوناگون استفاده می‌کنند و با حمل عکسهایی از رهبران و شخصیت‌های مورد قبول خود جناح و موضع خود را روشن می‌سازند. راهپیمایی در دوران انقلاب اسلامی کارکرد بسیار جدی‌تری داشت و به شیوه‌ی خاص مبارزه‌ی مردم تبدیل شد. ویژگی خاص راهپیمایی‌های روزهای انقلاب حضور جمعیت انبوه، طولانی بودن مسیر و زمان آن بود که گاه تا ۱۲ ساعت به طول می‌انجامید. ویژگی دیگر پی در پی بودن راهپیمایی‌ها و گسترش آن در تمام کشور بود.

روشنفکر

روشنفکر در زبان فارسی برابر است با واژه‌ی انتلکتوئل در زبان فرانسه. این واژه به معنای کسانی است که اهل قضاوت و سنجش امور با موازین عقلی‌اند. در ایران نخستین بار در دوران مشروطیت و به صورت منورالفکر از این واژه استفاده شد. این کلمه در قرن ۱۹ در اروپا رواج یافت و گسترده‌ترین معنای آن بخشی از دانش آموختگان دانشگاهی را دربرمی‌گیرد که شخصیت و فکر انتقادی دارند و همه‌ی ارزشهای قراردادی جامعه را با موازین عقلی می‌سنجند.

زندانی سیاسی

کسی است که به سبب زیر پا گذاشتن حد و مرز قانونی آزادی‌های سیاسی مشخص شده در قانون اساسی محکوم به زندان شده است. شدیدترین جرم سیاسی مبارزه‌ی مسلحانه برای سرنگون ساختن رژیم حاکم و نیز اقدام و توطئه علیه تمامیت ارضی کشور است که در قوانین جزایی جنایت شناخته می‌شود. در قوانین کیفری معمولاً جرم‌های سیاسی از جرم‌های عادی جدا شده و برای محکومان سیاسی حقوق و امتیازهای خاصی در نظر گرفته شده است. اما معمولاً این حقوق در حکومت‌های دیکتاتوری که بیشترین مخالف و در نتیجه بیشترین تعداد زندانیان سیاسی را دارند رعایت نمی‌شود و این زندانیان در بدترین شرایط به سر می‌برند و سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کنند به همین دلیل سازمان‌های بین‌المللی اقدام به حمایت از این گروه زندانیان کرده‌اند. در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز بخش‌هایی به کسانی که در خطر بازداشت و محکومیت سیاسی غیرقانونی هستند اختصاص یافته و همچنین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مأموریت ویژه‌ای برای رسیدگی به وضع داخلی کشورها از این نظر دارد.

ساواک

ساواک مخفف سازمان اطلاعات و امنیت کشور است که در سال ۱۳۳۶ به وجود آمد پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رژیم لزوم برخورداری از یک سازمان امنیتی قوی برای شناسایی و سرکوبی مخالفان خود را احساس کرد. ابتدا فرمانداری نظامی به ریاست تیمور بختیار که پس از کودتا اداره‌ی پایتخت را بر عهده داشت و گروهی از اداره‌ی دوم ارتش شاهنشاهی اولین هسته‌ی این سازمان را تشکیل دادند. به تدریج این سازمان اعضای زیادی را جذب کرده و گسترش بسیار یافت. اغلب اعضای اصلی ساواک برای دیدن دوره‌های بازجویی، شکنجه و جاسوسی به کشورهای آمریکا و اسرائیل فرستاده شدند. همچنین استادان زیادی برای آموزش این مهارت‌ها از میان ورزیده‌ترین جاسوسان و شکنجه‌گران موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) و سی‌ا (سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا) به ایران دعوت شدند. این سازمان از سه بخش اساسی ترکیب شده بود: ۱- ادارات کل ۲- ساواک تهران ۳- ساواک شهرستان‌ها

بخش اول یعنی ادارات کل شامل ۹ اداره بود:

اداره کل یکم: با هدف رهبری و کنترل عملیات و ارتباط با ماموران سیا و موساد و اعزام افراد به خارج از کشور

اداره کل دوم: کسب اطلاعات در خارج از کشور و همکاری با اداره ی هفتم

اداره کل سوم: حفظ امنیت داخلی

اداره کل چهارم: حفاظت و کنترل ماموران ساواک

اداره کل پنجم: امور فنی و تکنیکی

اداره کل ششم: امور حسابداری و کار پردازی، بهداشتی و موتوری

اداره کل هفتم: جمع آوری اطلاعات داخلی و خارجی و تجزیه و تحلیل آن ها

اداره کل هشتم: کنترل اتباع بیگانه سفارت خانه های خارجی

اداره کل نهم: جمع آوری زندگی نامه های مختصر افراد و اسناد مربوطه و گذرنامه

در بهمن ماه ۱۳۵۰ ساواک کمیته ی مشترک ضد خرابکاری را با همکاری شهربانی تشکیل داد. در سال ۱۳۵۲

ریچارد هلمز رئیس سابق سازمان سیا به سمت سفیر امریکا در ایران منصوب شد و اداره ی مرکزی سیا در

خاورمیانه را که تا آن زمان در قبرس بود به ایران منتقل کرد. ساواک که داستان های هراس انگیزی از شکنجه

گران و جاسوسانش میان مردم نقل می شد و ترس و وحشت ایجاد می کرد یکی از پایه های اصلی حفظ حکومت

شاهنشاهی بود. روش شکنجه ی برزیلی، خود آهنی، پنکه ی سقفی، الا کلنگ، ناخن کشی چنان شهرت وحشتناکی

برای ساواک فراهم آورده بود که همه حتی وزیران دولت نیز از این سازمان مخوف وحشت داشتند و رژیم همواره به

سبب فعالیت ها ی آن مورد پرسش و تحت فشار افکار عمومی جهان و مطبوعات خارجی قرار داشت.

سانسور

سانسور از واژه ی لاتین به معنی حکم کردن و ارزش گذاشتن گرفته شده و مفهوم آن جلوگیری از نشر و بیان هر

عقیده و اثر ادبی، سیاسی، فلسفی یا دینی است که از دیدگاه نظام سیاسی یا اخلاقی که قدرت حاکم پشتیبان آن

است زیان آور و خطرناک تلقی می شود.

سانسور در تاریخ بشری سابقه ای طولانی دارد اما کاربرد جدی و گسترده ی آن از زمان اختراع چاپ به بعد صورت

گرفته است. کلیسای کاتولیک در قرن شانزدهم میلادی برای نخستین بار لیست اسامی کتاب های ممنوع را منتشر

کرد. سانسور در روزگار مانیز در مواردی گوناگون به کار گرفته می شود و به طور کلی دو صورت دارد: سانسور

بازدارنده و سانسور کیفی. سانسور بازدارنده همواره پیش از پخش و انتشار اثر به کار گرفته می شود و سانسور

کیفری که بعد از انتشار اثر به صورت توقیف آن و مجازات ناشر و پدید آورنده ی آن به کار می رود. سانسور به طور

کلی ویژه ی جامعه های استبدادی است، اما در جوامع آزاد هم وجود دارد. مانند سانسور بعضی اخبار در زمان جنگ

و بحران، در اکثر کشورها قوانینی برای جلوگیری از انتشار آثاری که خلاف عفت و اخلاق عمومی شناخته می شود

وجود دارد.

سلطنت/پادشاهی

شکلی از نظام حکومت است که در آن رئیس کشور، پادشاه، ملکه نامیده می شود. این نوع حکومت معمولاً وراثتی

است و از پدر به پسر یا ملکه می رسد. سلطنت با دو ویژگی خاص از دیگر انواع حکومت متمایز می گردد. یکی

تاجگذاری است که آیینی نمادین است و نشان دهنده ی اعطای قدرت و دیگری نقش شاه به عنوان پدر ملت است

که نماد پیوند تاریخی و نژادی یک ملت بوده و معنای بزرگتر بودن و رهبری پادشاه را در خود دارد. پادشاهی

معمولاً یا به صورت سلطنت مطلقه است یا سلطنت مشروطه.

سلطنت مطلقه: به معنی فرمانروایی یک شخص بدون نظارت هیچ مقامی دیگر و یا هر گونه محدودیت قانونی است.

سلطنت مشروطه: به معنی حکومت شاه یا ملکه به عنوان رئیس کشور است. در این نوع سلطنت شاه یا ملکه در مواردی مشخص و محدود حق دخالت و اعمال نظر در امور کشور دارد. نظام پادشاهی در ایران تا زمان محمد علی شاه قاجار، سلطنت مطلقه بود اما پس از قیام مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی قدرت شاه محدود و سلطنت مشروطه شد. با مرور زمان مجلس که بنا بود بر اعمال شاه نظارت کرده و حدود قدرت شاه را تعیین کند، به دست نشانده و عامل قدرت شاه تبدیل شد. و پس از چندی دوباره همان نظام سلطنت مطلقه با ظاهر و صورت تازه برقرار شد.

سوسیالیسم

این واژه که جامعه گرایی و جامعه باوری نیز ترجمه شده است از کلمه ی فرانسوی «سوسیال» به معنی اجتماعی گرفته شده و اینچنین معنا شده است: نظریه یا سیاستی که هدف آن نظارت یا مالکیت جامعه بر کلیه ی ابزار تولید، زمین و سرمایه و به کار گرفتن آنها به سود همگان است. از جهت تاریخی سوسیالیسم موج مخالفتی است با فردگرایی و سرمایه داری. سوسیالیستها این نظریه ی هواداران سرمایه داری را که می گویند: تلاش برای سود فردی خود به خود به نفع جامعه می انجامد، نمی پذیرند و اعتقاد دارند که دولت به عنوان نماینده ی اکثریت مردم باید با در دست گرفتن تمام بخش های اقتصادی جامعه نفع عمومی را از خطر سوء استفاده افراد در امان بدارد و در صورت لزوم نفع و سود برخی افراد را فدای سود جامعه کند.

سیا

سیا نام اختصاری سازمان مرکزی اطلاعات و جاسوسی ایالات متحده ی آمریکا است که در سال ۱۹۴۷ میلادی برای هماهنگ کردن فعالیتهای جاسوسی دولت و راهنمایی رئیس جمهور و شورای امنیت ملی در امور امنیتی تأسیس شد. این سازمان زیر نظر شورای امنیت ملی عمل کرده و رئیس آن از سوی رئیس جمهور آمریکا با موافقت مجلس سنا انتخاب می شود. سیا عملیات جاسوسی دستگاههای دیگر را هماهنگ می کند اما فعالیت های جهانی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع این سازمان یکی از بازوهای اصلی سیاست خارجی آمریکا به شمار می رود. بودجه ی آن سری است و برآورد می شود که تا چهار برابر بودجه ی وزارت امور خارجه ی آمریکا باشد به همین خاطر به این سازمان لقب حکومت نامرئی نیز داده می شود. از جمله مشهورترین عملیات توطئه گرانه ی سیا ، طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران علیه حکومت مردمی دکتر محمد مصدق است که موجب سقوط دولت، بازگشت شاه به کشور و برقراری دوباره ی استبداد شد.

صهیونیسم

صهیونیسم از نام کوه صهیون که به روایتی آرامگاه داوود پیامبر است گرفته شده که در اورشلیم قرار دارد و در روزگار باستان نماد سرزمین فلسطین بود. در اصطلاح سیاسی نام جنبش نژادپرستی یهودی است که هدف آن تشکیل دولت مستقل یهودی و گسترش هر چه بیشتر مرزهای آن است. صهیونیستها معتقدند که حضرت موسی به قوم بنی اسرائیل مژده ی رسیدن به ارض موعود و سکونت در آن را داده است از این رو یهودیان باید در پی ارض موعود بوده و آن را به هر قیمتی به دست آورند. آنها قوم بنی اسرائیل و یهودیان را برترین نژاد عالم و شایسته ی برتری بر جهانیان می دانند. پیشرو این حرکت " تئودو هرتسل " روزنامه نگار اتریشی بود که در کتابی به نام دولت یهودی استدلال کرد که تنها راه نجات یهودیان از آزار دائمی دیگران ایجاد دولت یهودی است. وی در ۱۸۹۷ نخستین کنگره ی جهانی صهیونیسم را در شهر بازل سوئیس برگزار کرد. یکی از کسانی که بر استقرار یهودیان در فلسطین پافشاری کرد " حیییم وایزمن " بود. که بعدها نخستین رئیس جمهور اسرائیل شد. آنها فلسطین را به عنوان ارض موعود انتخاب کردند که در آن زمان در تصرف امپراتوری عثمانی بود. نفوذ روز افزون سیاسی و اقتصادی صهیونیستها در انگلستان سرانجام به صدور ((اعلامیه ی بالفور)) در ۱۹۱۷ منجر شد که در آن آمده بود((دولت

اعلیحضرت تاسیس میهن یهودی در فلسطین رابا علاقه تلقی میکند و برای فراهم کردن امکان آن سخت خواهد کوشید)) بعد از شکست عثمانی در جنگ اول جهانی ، فلسطین تحت قیومیت انگلستان درآمد و مهاجرت یهودیان به آن کشور شدت یافت. آنها شروع به خرید زمین و ملک از فلسطینیان کردند. از سوی دیگر در فاصله ی جنگ اول و دوم جهانی یهودیانی که به آمریکا مهاجرت کردند، قدرت زیادی یافته بودند و دولت آمریکا را کاملا زیر نفوذ خود داشتند. با اصرار و پیگیری آمریکا، سازمان ملل در نوامبر ۱۹۴۷ رأی به تقسیم فلسطین بین یهودیان و اعراب داد و با آنکه یهودیان کمتر از فلسطینیان بودند ۵۷ درصد از کشور را به آنها واگذار کرد.

وقتی نیروهای انگلیسی فلسطین را ترک کردند، تشکیلات نظامی یهودیان که سالها قبل شکل گرفته و قوی شده بود جای آنها را بلافاصله پر کرد در حالی که فلسطینیان هیچ نیروی نظامی یا ارتشی نداشتند. حکومت اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ اعلام وجود کرد اما کشورهای عرب، سوریه، مصر و لبنان به اسرائیل اعلان جنگ دادند. اما اسرائیل که با پشتیبانی آمریکا پیشرفته ترین اسلحه ها را داشت بر آنها پیروز شد و ۶۰۰۰ کیلومتر از خاک دولت فلسطین را اشغال کرد.

در ۱۹۶۷ جنگ دوم اعراب و اسرائیل که به جنگ ۶روزه مشهور شد میان مصر، روسیه و اردن با اسرائیل در گرفت. و اسرائیل با نابود کردن نیروی هوایی مصر در همان ساعات نخستین جنگ را برد و باقیمانده سرزمین فلسطین و غزه صحرای سینا از خاک مصر، ارتفاعات جولان از خاک سوریه و ساحل غربی رود اردن و قسمت قدیمی شهر بیت المقدس را (که پیش از آن در تصرف اردن بود) اشغال کرد.

در ۱۹۷۰ انورسادات رئیس جمهور مصر برای پس گرفتن صحرای سینا و جبران شکستها ، جنگ تازه ای علیه اسرائیل آغاز کرد که چون در عید مذهبی یهودیان ((یوم کیپور)) آغاز شد به جنگ کیپور معروف شده و چون در ماه رمضان بود جنگ رمضان هم گفته می شود. سوریه هم وارد جنگ شد اما اسرائیل با داشتن سلاحهای پیشرفته ی آمریکایی ، این بار هم جنگ را برد و اعراب مجبور به عقب نشینی شدند، سادات پس از نومییدی در جنگ تلاش کرد تا از طریق مذاکره خاک کشورش را باز پس گیرد او در سال ۱۹۷۷ بی مقدمه و ناگهان به بیت المقدس سفر کرد و با یک سخنرانی در مجلس اسرائیل مذاکره مستقیم با آن کشور را آغاز نمود. این ماجرا باعث اخراج مصر از اتحادیه عرب شد. در سال ۱۹۷۹ کارتر رئیس جمهور آمریکا و سادات و مناحیم بگین رئیس جمهور اسرائیل در کمپ دیوید، استراحتگاه تابستانی رئیس جمهور آمریکا، کنفرانس سه جانبه ای تشکیل دادند که به ((کنفرانس کمپ دیوید)) مشهور شد و در آنجا موافقتنامه ای امضا کردند که در آن مصر اسرائیل را به رسمیت می شناخت و در مقابل اسرائیل نیز صحرای سسینا را تخلیه کرد. اسرائیل در داخل کشور نیز با ترور، شکنجه و فشارها و محدودیتها فلسطینیها را وادار به ترک کشور می کرد. آوارگان فلسطینی، در همه جای دنیا پراکنده شدند و سازمانهای مختلفی را برای مبارزه ایجاد کردند. اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به بهانه ی مبارزه با عملیات تروریستی سازمان آزادی بخش فلسطین بخش غربی بیروت و بعدها جنوب لبنان را اشغال کرد اما سرانجام در سال ۲۰۰۰ با مقاومت مردم لبنان و فشار افکار عمومی ناچار به عقب نشینی از آنجا شد.

صهیونیسم از نشر هواداران یهود، جنبشی برای یافتن سرزمینی برای ملتی آواره تلقی میشود و از نظر ملت‌های مسلمان، و بخش عمده ای از کشورهای جهان سوم و بسیاری از متفکران و آزاد اندیشان، مترادف با تجاوزگری و غصب سرزمینی متعلق به دیگران به وسیله زور و ایجاد وحشت است. امروزه اسرائیل متحدی نیرومند برای امپریالیسم مغرب (ن ک: اصطلاحات، امپریالیسم) و نیز پایگاهی مطمئن برای آمریکا در خاورمیانه است. مسئله فلسطین و محکوم کردن اسرائیل به عنوان حکومتی غیر قانونی و غاصب یکی از مسائل مهم انقلاب اسلامی ایران بود که در شعارهای مردم، سخنرانیها و اعلامیه ها و قطعنامه ی راهپیمایی ها همواره به آن اشاره میشد. اهمیت این موضع گیری وقتی روشن میشود که توجه کنیم رژیم شاهنشاهی ایران با اسرائیل روابط سیاسی ، تجاری و نظامی بسیار نزدیکی داشته و تا مدتها کشور مسلمانی بود که در تحریم صدور نفت به اسرائیل شرکت نکرد و سیاستی حمایتگرانه نسبت به این دولت غاصب داشت.

ضد انقلاب

اصطلاحی که در رژیم پهلوی برای همه ی افرادی که با نظام شاهنشاهی مخالف بودند، به کار می رفت زیرا آنان را مخالف با اصول انقلاب شاه و ملت (ن ک : اصطلاحات، انقلاب سفید) می دانستند. چون البته این اصطلاح تنها توسط دستگاههای تبلیغی حکومت استفاده می شد و از سوی مردم به کار نمی رفت هرگز همه گیر نشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این عنوان در اعلامیه تاسیس حزب جمهوری اسلامی در اول اسفند ماه ۱۳۵۷، در مورد ایرانیانی که با انقلاب، اهداف و اصول آن ضدیت داشتند.

ضد استعمار

عنوانی است برای جنبشهای ضد تسلط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم (ن ک: اصطلاحات). هدف این جنبشها که اغلب در نیمه دوم قرن بیستم به وجود آمده اند، تشکیل دولتی ملی و رسیدن به استقلال است. با توجه به اینکه امپریالیسم جدید (ن ک: اصطلاحات، استعمار نو) تنها جنبه سیاسی ندارد و دست اندازی به مواد خام و منابع کشورهای ضعیف و محتاج کردن آنها به صنایع و فن آوری پیشرفته، مهمترین انگیزه آن است، جنبشهای ضد استعماری رسیدن به استقلال اقتصادی را نیز از اهداف خود بر می شمارند.

طاغوت

طاغوت از طغیان به معنای عصیان و نافرمانی و از حد گذشتن، گرفته شده است. طاغوت به کسی گفته میشود که از حدود خود تجاوز کرده و عصیان کار شود.

قانون اساسی

به مجموعه قوانین و مقررات کلی که شکل حکومت، سازمان عالی قوای سه گانه کشور، ارتباط آنها با یکدیگر و حقوق و آزادی افراد را در مقابل دولت مشخص میکند، قانون اساسی گفته میشود. قانون اساسی از موضوعات علم (حقوق اساسی) است که رشته ای از (حقوق عمومی داخلی) به شمار می آید. در این علم هم از حقوق افراد و هم از حقوق دولت به معنای عام آن سخن گفته میشود.

قطعنامه

متنی است که شامل نقطه نظرات و خواسته های راهپیمایان بوده و معمولاً پس از پایان راهپیمایی قرائت میشود و تک تک اصول آن به وسیله کسانی که در راهپیمایی شرکت کرده اند، تایید میشود. در دوران انقلاب، قطعنامه ها به خاطر در بر داشتن تمام اهداف حرکتیهای مردمی، حکم منشور انقلاب را داشتند و آیینیه تمام نمای خواسته های مردم بودند. به خصوص قطعنامه راهپیمایی روز عاشورا (ن ک : روزها، ۲۰ آذر ۱۳۵۷) که توسط میلیونها نفر به تصویب رسید و مجموعه مختصر و کاملی از خواسته ها، ایده آلهای و نقطه نظرهای مردم انقلابی بود.

کاپیتولاسیون

نوعی امتیاز قضایی یا حق قضاوت خارجیان در کشوری دیگر است.

کاخ سفید

اقامتگاه رسمی رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن که نام آن به عنوان نماد حکومت و مرکز سیاست گذاری آمریکا بکار می رود.

کاخ کرملین

از واژه روسی (کرمل) به معنی ارگ مرکزی و حکومتی در شهرها باستانی روسیه است. کرملین مجموعه ای است سه گوش از ساختمانهای سلطنتی و کلیسا و حصار و برج و باروی اطراف آن در شهر مسکو قرار دارد. این بنا از قرن ۱۲ به تدریج ساخته شد و ساختمانهای متعددی به آن افزوده شد. کرملین در زمان حکم فرمایی تزارها تا سال ۱۷۱۲، مرکز حکومت روسیه بود. بعد از پیروزی حکومت انقلاب کمونیستی، مرکز حکومت به (لنین گراد) انتقال یافت و بعد از فروپاشی نظام کمونیسم بار دیگر به کرملین بازگردانده شد.

کاخ نیاوران

یکی از کاخهای شاه واقع در شمال تهران است که در اصطلاحات و شعارهای مردمی به عنوان نماد حکومت سلطنتی و اقامتگاه شاه به کار رفته است: ((کاخ نیاوران را به خاک و خون می کشیم)).

کتاب جلد سفید

کتابهای ممنوعه ای که اغلب با موضوعاتی مثل نحوه شکنجه های رایج در زندانها، افشاگریهایی درباره سران رژیم، شرح زندگی و شهادت یا دفاعیات پرشور مبارزان و موضوعاتی از این قبیل بود؛ بدون مشخصاتی از نام کتاب، نام نویسنده یا بنگاه انتشاراتی و با جلد سفید چاپ میشد. این کتابها در دهه آخر دوران شاهنشاهی، خوانندگان زیادی بین مردم، بخصوص دانشجویان و جوانان پیدا کرده بود و به صورت مخفیانه و گاه در جلد رمانهای ارزان قیمت بازاری به فروش می رسید. ((راه حسین)) از دکتر علی شریعتی، ((ولایت فقیه)) از حضرت امام خمینی (ره)، ((غرب زدگی)) جلال آل احمد، ((دفاعیات خسرو گلسرخی))، ((آنچه یک چریک باید بداند)) نمونه عنوان های پرطرفدار این نوع کتابها بود.

کشف حجاب

قانون ممنوعیت استفاده از حجاب، در ۱۷ دی ۱۳۱۴ و در زمان سلطنت رضا شاه پهلوی تصویب شد. در آن روز در دانشسرای عالی تهران جشنی برپا شد و برای نخستین بار ملکه ((تاج الملوک)) و دختران رضاه شاه، بدون حجاب و با لباسهای اروپایی در یک مجمع عمومی حاضر شدند و شاه در سخنانی ممنوعیت استفاده از حجاب را اعلام کرد. این قانون ضربه سختی بر ذهن و روح مردم ایران وارد ساخت. زنان ایرانی که طی قرنهای با پوشش کامل از خانه خارج شده بودند، به اجبار باید بدون حجابی که به آن خو کرده بودند و بارویی گشاده به کوچه و خیابان بیایند. مردم، به خصوص زنان در مقابل این قانون مقاومت کردند و دولت متوسل به زور و خشونت شد. پاسبانان موظف شدند که چادر از سر زنان بکشند و روسری ها را پاره کنند. بسیاری از زنان، خانه نشین شدند و برای دیدن اقوام و رفتن به حمام، مخفیانه از منزل خاج می شدند و یا از راه پشت بامها و در تاریکی شب رفت و آمد می کردند. البته مردان نیز مجبور به استفاده از کت و شلوار غربی و کلاه پهلوی به جای لباسهای سنتی خود بودند. رضاشاه به این وسیله سعی داشت چهره کشورش را به زور و اجبار، شبیه کشورهای اروپایی کند.

کمیته استقبال از امام خمینی (ره)

کمیته ای متشکل از یاران و نزدیکان امام خمینی (ره) که از چندین روز پیش از ورود ایشان به کشور با صدور اعلامیه ای برنامه های خویش را اعلام کرده و وظیفه ی هماهنگی و تهیه و تدارکهای لازم برای برگزاری هر چه باشکوه تر از مراسم استقبال رهبر از تبعید برگشته ی انقلابی را بر عهده داشتند. از جمله اقدامات این کمیته ، برنامه ریزی برای اجاره هواپیمای فرانسوی بود که می بایستی امام را به میهن باز گرداند. همچنین انجام هماهنگی های لازم با فرودگاه ایران و برنامه ریزی و هماهنگی کارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون برای تهیه خبر و گزارشهای ویژه

از مراسم استقبال و بود. گروه های مختلفی با این کمیته همکاری می کردند که از جمله آنها می توان جمعی از مهندسان رشته های مختلف و متخصصان امور نظامی را نام برد.

کمیته اعتصابات

این کمیته یکی از شاخه های شورای انقلاب و وابسته به آن بود و وظیفه تعیین نوع اعتصابات، مدت زمان و هماهنگ کردن آنها را برعهده داشت. اعتصابات اگر چه از ابتدا به صورت خود جوش و به منظور اعتراض به وضع موجود و یا به خاطر کسب امتیازاتی به راه افتاد، اما رفته رفته به صورت ابزار موثری برای از پا در آوردن رژیم سلطنتی در آمد. در این میان بعضی از اعتصابات موجب به وجود آمدن مشکلات زیادی برای مردم می شد و نیز به خاطر قطع حقوق اعتصابیون از سوی دولت دچار مشکلات شدید مالی می شدند. کمیته اعتصابات وظیفه داشت از بروز اعتصاب در بعضی از واحدها (مثل کارخانه شیر پاستوریزه) جلوگیری کند و مدت زما اعتصاب واحدهای دیگر را نیز مشخص سازد تا قحطی و کمبود شدید ایجاد نشود.

کمیته راهپیمایی

این کمیته که وابسته به شورای انقلاب بود در ماههای آخر انقلاب تشکیل شد. این کمیته بخشی از تدارکات لازم برای راهپیماییها، نظیر امکانات صوتی ، پلاکاردها، کلیشه ها، عکسها، تعیین بخشی از شعارها ، مسیرها و نیز بعضی از قطعنامه را نیز بر عهده داشت. جلوه روشن فعالیت های این کمیته را می شد در راهپیمایی بزرگ تاسوعا و عاشورا دید.

کمیته سوخت

هیئتی به حکم امام (ره) مسئول کنترل وضعیت تولید و توزیع نفت مصرفی مردم در بحبوحه ی انقلاب بود. این هیئت مامور بود که میزان تولید نفت را که به صفر رسیده بود ، به اندازه ای برساند که نیاز مردم برطرف شود. اما از صدور نفت که در واقع کمکی به دولت تلقی می شد ، جلوگیری کند.

کمیته مشترک ضد خرابکاری

در بهمن ۱۳۵۰، ساواک و شهربانی به اتفاق هم ((کمیته مشترک ضد خرابکاری)) را به وجود آوردند که به طور مختصر ((کمیته)) نامیده می شد و نقش تعیین کننده ای در سرکوبی مبارزان و بازجویی و شکنجه آنان داشت. ((زندان کمیته)) در اغلب اوقات نخستین جایی بود که دستگیر شدگان سیاسی در آن بازجویی شده و تحت شکنجه های شدید قرار می گرفتند تا اطلاعاتی درباره افراد و برنامه گروه خود به ماموران بدهند. نام کمیته نیز مانند ساواک برای مردم نامی وحشت آفرین و هراس آور بود.

کمیته انقلاب اسلامی

در اوج روزهای انقلاب، وقتی چماق داران و نیروهای مخفی ساواک مردم را مورد آزار قرار می دادند، جوانان هر محل حفاظت از مردم محله ی خود را بر عهده گرفتند. این گروهها ((پاسداران شب)) خوانده می شدند و در روزهای قبل از پیروزی که نیروهای امنیتی از هم پاشیده بودند، امنیت شهرها را حفظ می کردند. این گروه ها هسته اولیه کمیته انقلاب اسلامی را تشکیل دادند که بعدها با فرمان امام (ره) رسمیت یافت و سرانجام پس از سالها با شهربانی ادغام شد و نیروی انتظامی را به وجود آورد.

کودتا

این کلمه فرانسوی به معنای (بر افکندن دولت) است. کودتا عبارت است از: انتقال ناگهانی قدرت از دست حاکم به دست گروهی دیگر که از درون نظام حاکم قیام کرده و می خواهند با توسل به زور قدرت را در دست گیرند. در

نظامهای دیکتاتوری کودتا ممکن است در درون دستگاه رهبری سیاسی روی دهد و گروهی با توطئه و دسته بندی، قدرت را از دست حاکمان خارج کند، ولی رایج ترین صورت کودتا، قیام علیه دستگاه سیاسی کشور از درون ارتش و افتادن قدرت به دست ارتشیان یا دست به دست شدن آن میان گروههای مختلف است. این گونه کودتاها بیشتر در کشورهای اتفاق می افتد که نهادهای سیاسی حاکم بر آنها چندان استوار نیست و ارتش که سازمان منظم و سازمان یافته ای به شمار می آید می تواند وارد عرصه سیاست شده و حکومت را در دست بگیرد. کودتا بیشتر در کشورهای جهان سوم اتفاق می افتد و از ویژگیهای ساخت سیاسی این کشورها به شمار می رود.

فرق کودتا و انقلاب در این است که کودتا ناگهانی است، با توطئه شکل می گیرد و منشأ آن همواره از درون دستگاه حاکم است، اما انقلاب ریشه در انباشته شدن خشم و نارضایتی مردم از حکومت دارد و به صورت انفجاری قهر آمیز علیه دستگاه حاکمه روی می دهد. کودتا گاهی توسط ارتش و برای بر اندازی حکومت ملی و قانونی صورت میگیرد و هدف آن حفظ و بازگرداندن منابع به خطر افتاده ی طبقه حاکم یا بیگانگی است که قبلاً بر کشور مسلط بوده اند. این گونه کودتا معمولاً از جانب قدرتهای خارجی که صاحب منافع در کشور مورد نظر بوده اند، طرح ریزی و حمایت می شود، مثل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه حکومت قانونی دکتر مصدق.

در هنگامه انقلاب اسلامی وقتی نیروهای طرفدار رژیم به بن بست رسیدند طرح کودتایی را ریختند که به طرح ((کورتاژ)) معروف شد و برنامه آن بمباران مراکز حساس انقلاب از جمله مدرسه ی علوی و رفاه (اقامتگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقر شورای انقلاب)، دستگیری رهبران نهضت و مبارزان فعال مانند آیت الله طالقانی و...و نیز قتل عام تمام افرادی بود که قصد مقاومت داشتند. این کودتا در نظر داشت با سرکوب شدید جریان انقلاب، بر اندازی حکومت بختیار و روی کار آوردن دولتی نظامی، شاه را به کشور بازگرداند، اما به خاطر فرو ریختن هماهنگی ارتش و پیوستن درجه داران و سربازان به مردم و هوشیاری رهبر انقلاب که مردم را به حضور مداوم در خیابانها و خالی نکردن شهر فراخوانده بودند، هرگز عملی نشد.

ولایت فقیه

به اعتقاد شیعیان مقام رهبری جامعه اسلامی در زمان غیبت امام معصوم تنها به کسی که آگاه ترین فرد به قوانین دین و شرایط دنیای مرم باشد اختصاص دارد. که آن فرد ((ولی فقیه)) است. امام خمینی در این باره می فرماید:

حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنای متعارف آن که تصویب قوانین تابع آزادی اشخاص و اکثریت باشد، مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت شود. از این جهت حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است و در ادامه می فرمایند (ولایت فقیه یعنی حکومت یا نظارت عالی کسی که آگاه ترین فرد به این قوانین و نیز عالیترین و مورد اطمینان ترین کسی است که مواظب رعایت این قوانین باشد. کسی که به آن درجه از تعالی روح رسیده باشد که هرگز به نفع خود یا اطرافیانش قوانین الهی را تغییر ندهد یا در پی سودجویی نباشد. کسی که آگاه، عادل، مدیر و مدبر و جامع شرایط باشد، در این صورت او ولی امر یا سرپرست مسلمین است).

ایشان در ادامه با اشاره به آیه ی ۵۹ سوره نساء ((اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم)) می فرمایند: همانطور که پیغمبر اکرم (ص) مامور اجرای احکام و برقراری نظام اسلام بود و خداوند او را رئیس و حاکم مسلمین قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده است فقهای عادل نیز بایستی عادل و حاکم باشند و احکام را اجرا کنند و نظام اجتماعی اسلام را مستقر گردانند.))

ایشان درباره حدود اختیارات ولی فقیه میگویند((فقها در اجرای قانون و فرماندهی سپاه و در اداره جامعه و دفاع از کشور و دادرسی و قضاوت مورد اعتماد پیامبرند. بنابراین ((الفقه اماناء الرسول)) یعنی کلیه اموری که به عهده پیامبران است فقهای عادل موظف و مامور انجام آنند...لکن مراد از ((اماناء الرسول)) کسانی هستند که از هیچ حکمی تخلف نکنند و پاک و منزه باشند.

مقام ولایت فقیه به عنوان یک مقام رسمی برای نخستین بار در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عنوان شد. اصل پنجم قانون اساسی در این باره می گوید ((در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه مدبر است که اکثرین مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته اند. و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل ۱۰۷ عهده دار آن می گردند.

اصل ۱۰۷ در توضیح این مسئله میگوید: ((هر گاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل ۵ این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همان گونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی چنین شده است این رهبر ولایت امر و همه ی مسئولیتهای ناشی از آن را به عهده دارد و در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانی که صلاحیت مرجعی و رهبری را دارند بررسی و مشورت میکنند. هر گاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی میکنند و گرنه ۳ یا ۵ مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می کنند.

در اصل ۱۱۰ قانون اساسی وظایف و اختیارات عمده رهبر چنین ذکر شده است: فرماندهی کل نیروهای مسلح ، تعیین فقهای شورای نگهبان، نصب عالی ترین مقام قضایی کشور، امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور و عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی.

همه پرسی یا فراندن

رای گیری مستقیم از همه اعضای یک جامعه یا سازمان یا ... برای رد یا تصویب قانون ، سیاست یا فردی که می بایستی بخشی از مسئولیت های کشور را بر عهده بگیرد (مثل رئیس جمهور). هدف از همه پرسی دخالت دادن نظر و تصمیم مردم در اداره کشور و مشارکت آنها در سیاست کلی دولت و نیز پرهیز از قانون گذاری بر خلاف مصالح و رأی اکثریت است. از همه پرسی برای تصویب قانون اساسی، تغییر نوع رژیم، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان و ... استفاده می شود. در ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تغییر رژیم سلطنتی به جمهوری همه پرسی برگزار شد که در آن ۹۸/۲ درصد مردم به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند.

منبع: فرهنگ نامه انقلاب اسلامی برای نوجوانان، نویسنده: مرجان فولادوند